



تحلیل رفتار سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

به مناسبت اولین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، کنگره بزرگداشت ایشان روز سه‌شنبه مورخ ۱۹ دی ۱۳۹۶ در محل سالن اجلاس سران برگزار شد. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات این کنگره در دو جلد تحت عنوان «روایت آیت‌الله» توسط آقای یاسر هاشمی رفسنجانی منتشر شد. مقاله اینجانب تحت عنوان «تحلیل رفتار سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر اساس نامه‌های متبادله میان ایشان و صدام حسین» در این کتاب وجود دارد که فایل آن در پیوست قابل دریافت و مطالعه است. خلاصه‌ای از این مقاله به شرح زیر تقدیم می‌شود. ۴۷

در پی آن هستم که با استفاده از نظریه‌های مطرح در رهیافت‌های رفتاری و علوم تصمیم‌گیری نشان دهم که رفتار و تصمیم‌های آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی بر پایه چه باورها، ارزش‌ها، طرز تلقیها و هنجارهایی بوده است. همچنین اهداف مدنظر او در زمان تصمیم‌گیری تا چه اندازه اعتقادی، ملی و فردی بوده است. تلاش میشود روش و منش آقای هاشمی از خلال نامه‌های متبادله او با رئیس‌جمهور عراق تا اندازه ممکن درک شود.

نظریه:

روان‌شناسی سیاسی را می‌توان حوزه‌ای مطالعاتی در علم سیاست دانست که به جای دولت، جامعه یا مناسبات بین المللی، فرد را تکیه‌گاه اصلی تحلیل خود قرار می‌دهد. تصمیم‌گیری مهم‌ترین بخش از فعالیت انسان را تشکیل میدهد. هر تصمیم تحت تاثیر تعدادی از عوامل، از جمله عوامل عقلایی، روان‌شناختی، ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی است. در این میان، عوامل روان‌شناختی عبارت‌اند از شخصیت تصمیم‌گیر، توانایی‌های او، تجربیات، ادراک، ارزش‌ها، آمال و نقش او. عوامل فرهنگی و اجتماعی معرف متغیرهای اصلی تصمیم‌گیری هستند. تصمیم‌گیری چنان با خصوصیات روانی تصمیم‌گیرنده آمیخته است که نمی‌توان یکی را بدون دیگری مطرح و مطالعه کرد. عوامل و عناصر شخصیتی از قبیل خلق و خوی، هوش، انرژی، بینش و نگرش و احساسات تصمیم‌گیر، همگی در تصمیماتی که او اتخاذ می‌کند، نقش موثری دارند. میان انسان‌ها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. از جمله تجربیات آنها یکی نیست. درجه ریسک‌پذیری در همه یکسان نیست. ایمنی همان ارزش را برای همه ندارد و همه افراد به یک اندازه معاشرتی و اجتماعی نیستند. اندیشه انسان و در نتیجه تصمیم‌گیری‌های او، تابع مجموعه‌ای از عوامل مختلف است. اول این که انسان و تصمیم‌گیری‌های انسان تحت تاثیر موقعیت او در فضای اجتماعی است.

دوم، تصمیم‌گیر در تصمیم‌گیری از الگوگیری از گروه‌های برون‌سازمانی استفاده کرده و حتی برخی اوقات از افراد خارج از سازمان هویت‌پذیر می‌شود. سوم، در انسان‌ها تمایل به نزدیک‌بینی ذهنی وجود دارد و چهارم، انسان غالباً به ساده‌سازی علل سببی می‌پردازد.

۸سال جنگ

جنگ طولانی ایران و عراق از شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و با آتش بس دوجانبه مابین دو کشور به لحاظ نظامی در مرداد ۱۳۶۷ پایان پذیرفت. آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع در همان زمان گفت که جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را به طور کلی رد نکرده است. پس از کش و قوس‌های فراوان مذاکراتی و عدم تمایل عراق به انجام مذاکرات سه جانبه دبیرکل ملل متحد را واداشت تا در جلسه مذاکرات سه جانبه در سوم اردیبهشت ۱۳۶۸ در ژنو تلویحا به شکست مذاکرات اعتراف کند. در دی ۱۳۶۸ صدام حسین پیشنهاد کرد که مذاکرات مستقیم بین ایران و عراق شروع شود. ایران این پیشنهاد را رد کرد. در اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای از سوی صدام حسین و یاسر عرفات خطاب به آیت الله خامنه‌ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی به تهران رسید. آقای هاشمی پاسخ این نامه را داد. در مجموع ۱۲ نامه در این روند تبادل شد. نهایتا در مرداد ۱۳۶۹ نیروهای عراقی رسماً از خاک ایران عقب‌نشینی کردند. در حالی که در همان ماه، صدام حسین حمله خود را به کویت آغاز کرده بود.

رفتار سیاسی هاشمی رفسنجانی

در خلال نامه‌نگاری رئیس‌جمهوری عراق و رئیس‌جمهوری ایران می‌توان به برخی از شاخصه‌ها و وضعیت روحی و فکری آیت الله هاشمی رفسنجانی پی برد. من در اینجا چند نمونه از آن را فهرست می‌کنم. اولین آن باور داشتن به اصول اسلامی است. باور هاشمی به اصول اسلامی و اعتقاداتش او را وادار می‌کرد تا آنجا که ممکن است از اصول این دین تخطی نکند. به همین دلیل در جای‌جای نامه‌های خود به صدام از آیات قرآنی استفاده می‌کند. در این نامه‌ها او به سرنوشت جهان اسلام توجه کرده و از صدام به دلیل استفاده نادرست از سرنوشت جهان اسلام و امت عربی انتقاد می‌کند.

دوم، برای هاشمی ارزش‌ها چراغ راه بود و در نقشه ذهنی او همواره به آنها توجه می‌شد. در سراسر نامه‌ها به مسئله فلسطین توجه خاص شده است. در حالی که صدام هم در آن زمان خود را در جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی می‌دانست. اما برای هاشمی، تاکید بر مسئله فلسطین یک ارزش تلقی می‌شد. نکته دیگر، اولویت دادن به منافع ملی ایران است. تاکید بر کوچک‌ترین منفعت از جمله خاموش کردن یکی از چاه‌های نفتی ایران در نزدیکی مرز تا یکی از بزرگ‌ترین منافع ایران، یعنی حاکمیت بر اروندرود برای او اهمیت دارد. دیگری تاکید چندباره بر محکومیت رفتار صدام در قبال کویت است. تجاوز یک کشور به کشور دیگر از نگاه هاشمی عملی غیرقابل قبول محسوب می‌شد. اما در نامه‌های آقای هاشمی حرکت صدام در قبال کویت به عنوان تجاوز شناخته شده و آن را محکوم کرده است.

سوم، هاشمی دارای ایستارهای مخصوص خودش بود؛ از جمله کمتر می‌ترسید. زندگی او نشان می‌دهد چگونه در برابر شکنجه‌های ساواک ایستادگی کرده است. همچنین در جنگ تحمیلی او اکثراً در نزدیکی جبهه‌ها به فرماندهی جنگ می‌پرداخت. در نامه‌نویسی به صدام این موضوع مشخص است. البته این نترسیدن آگاهانه بود. آنجا که منافع کشور در میان بود، حساسیت و نگرانی‌های او اوج می‌گرفت. توانمندی این سیاست‌ورز نیز تا اندازه‌ای در خلال نامه‌ها مشخص است.

چهارم، نقشه ذهنی هاشمی رفسنجانی مانند پازلی بود که بیشتر قطعات آن چیده شده بود. او در این نامه‌ها در پی آن

است که تهدید را از مرزهای ایران دور کرده و تمامیت ارضی ایران را مجدداً محقق کند. همچنین در قطعه‌ای دیگر او دنبال شناسایی عامل شروع‌کننده جنگ و تعیین متجاوز بود و در قطعه‌ای دیگر، در پی بازسازی و توسعه ایران. کنارهم چیدن این قطعات در ذهن او میسر شده بود.

پنجم، درک هاشمی رفسنجانی از رفتار صدام حسین و دولت عراق مبتنی بر تجربیات او در گذشته بود. او در گذشته، جامعه عراق را مانند کشورهای متعدد دیگری دیده بود و از طرف دیگر، با چند و چون ادراک دیکتاتورها از جهان خارج از ذهن خودشان آشنایی داشت. سال‌های زندان و شکنجه به او آموخته بود در نگاه یک دیکتاتور، چگونه هر موضوع ساده‌ای می‌تواند به ادراکی از تهدید ترجمه شود. به همین دلیل، در نامه‌های خود سعی بر آن داشت که از اضافه کردن مفاهیم و موضوعات غیراستراتژیک خودداری کند. درحالی که در آن دوره، صدها و صدها موضوع و حادثه بود که می‌توانست از سوی هاشمی در نامه‌ها آورده و بر اساس آن صدام را متهم یا از او گله‌گذاری کند.

ششم، در روابط بین‌الملل، ادراک از تهدید مهم شمرده می‌شود. سوبرداشت از آن چیزی که تهدید نیست، موجب گمراهی برخی از رهبران در تصمیم‌گیری می‌شود. دولتمردان در خلال جنگ، زیر فشارهای روان‌شناختی سنگینی قرار می‌گیرند که این امر بر کیفیت فرایند تصمیم‌گیری تاثیر می‌گذارد. هرچند پیش‌بینی سرشت این تصمیم‌ها کار دشواری است؛ ولی به نظر می‌رسد بروز خطاها، احتمال جنگ را افزایش می‌دهد.

هفتم، روان‌شناسان ادراک را نوعی از هوشیاری یکپارچه حاصل از مجموعه‌ای از فرایندهای حسی و در واکنش به یک انگیزتار یا محرک تلقی می‌کنند. مجموعه ادراکات فردی، به شکل موثر می‌تواند منجر به تعریف یک وضعیت ادراکی جمعی شود و از این دیدگاه، می‌توان برداشت کرد که ادراک از تهدید، یا به عبارتی خودتهدید، یک سازه اجتماعی است که حاصل تعامل عمومی و خصوصی افراد، متخصصان، نخبگان سیاسی و تصمیم‌سازان سیاسی است. هاشمی رفسنجانی برای ارزشیابی ادراک خود از رفتار عراق، به ابزارهای متعددی متوسل شد. علاوه بر مشورت با مقام معظم رهبری، در آن دوره شورای عالی امنیت ملی به شدت فعال بود. جلسات متعددی با دستورجلسه نامه‌های صدام و پس از آن حمله عراق به کویت، به ریاست هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. ستاد سیاسی جنگ تحمیلی در وزارت امور خارجه تلاش می‌کرد همه اطلاعات و تحلیل‌ها را از کشورهای مختلف جمع‌آوری کند.

هشتم، بیشتر پژوهش‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای غیرخطی میان تنش و کیفیت تصمیم‌گیری هستند. در دوره تنش، هرچند اطلاعات فراوان‌اند؛ اما روشن نیستند. فشار زمانی بسیار مهم است. تصمیم‌ها باید فوری گرفته شوند. افرادی که ناچار خواهند بود ساعت‌ها کار کنند، با کمبود استراحت و انرژی نیز مجبورند کار خود را دنبال کنند. آگاهی از این امر که میلیون‌ها نفر ممکن است جان خود را به دلیل دستورهای تصمیم‌گیران از دست بدهند، فشارهایی باورنکردنی ایجاد خواهد کرد. هاشمی رفسنجانی از معدود مدیرانی بود که فشارهای امور پرتنش بر او کمتر تاثیر می‌گذاشت. در دوره جنگ ایران و عراق، مثل دوران زندان قبل از انقلاب، تلاش داشت دیگر فرماندهان را از به دام افتادن در بحران‌های روان‌شناختی برهاند.

نهم، هنجارها رفتارهای معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند. ارزش‌های اجتماعی به تدریج به صورت هنجارهای اجتماعی درمی‌آیند و با رعایت کردن آنها، جامعه انتظام پیدا می‌کند. هاشمی درعین حال که در استدلال جدی است، به طرف مقابل توهین نمی‌کند. در جنایت بزرگ صدام در شهید کردن صدها هزار

جوان ایرانی شکی نیست، اما هاشمی به صورت محترمانه با او برخورد می‌کند. حتی محترمانه‌تر از مبتکر نامه‌نویسی که هنجار آن است که او باید بیشتر مواظب باشد.

دهم، نامه‌های هاشمی رفسنجانی موقعیت او در فضای اجتماعی آن زمان را نشان می‌داد. اندیشه انسان و در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های او، تابع مجموعه‌ای از عوامل مختلف مثل موقعیت او در فضای اجتماعی است. برداشت طرف مقابل از آقای هاشمی این بود که این فرد در کار خود جدی است. عراقی‌ها می‌دانستند که ویژگی شخصیتی هاشمی آن است که در شرایط سختی و فشار ایستادگی می‌کند و در میانه مشکلات فلج و دودل نمی‌شود. همچنین اتکا به مردم از جمله مواردی است که در خلال نامه‌ها به خوبی مشهود است. مردم سالاری در نگاه این سیاست‌مدار به صورت جدی از راه‌های برون رفت از دام صدام است. او به خوبی خاطرنشان می‌کند که مردم ایران همچنان آماده دفاع از کشور هستند.

یازدهم، نکته مهم در رفتار سیاسی هاشمی، آمادگی پرداخت هزینه بود. در نظریه‌های روان‌شناسی سیاسی بین دو مفهوم تمایز قائل هستند: نشانه‌های هزینه‌بر و حرف مفت. رفتاری که هیچ هزینه‌ای دربر نداشته باشد توسط هر نوع بازیگری قابل انجام است و در نتیجه ستاده‌ای به همراه ندارد؛ مثلاً بیان اهداف و مقاصد، کار ساده‌ای است، چراکه هم صدام و هم سیاست‌مداری که به واقع متعهد به صلح است به میزان یکسانی می‌توانند ادعای اهداف صلح‌طلبانه داشته باشند. این یعنی تصمیم‌گیران باید رفتارهایی را دنبال کنند که انجام آنها هزینه داشته باشد. چنین رفتارهایی به راحتی نمی‌توانند برای فریب دادن مورد استفاده قرار گیرند: تنها بازیگری که می‌خواهد و می‌تواند به طرز خاصی رفتار کند، توانایی و انگیزه لازم برای فرستادن چنین نشانه‌های هزینه‌بری را دارد. در فضای سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، این موضوع که ممکن است نامه نویسی صدام، فریبی بیش نباشد به شدت مطرح بود. هاشمی رفسنجانی در مقدمه کتاب نامه‌های تبادل شده می‌نویسد: ابتدا با ناباوری با این ادعا (نامه اول صدام) برخورد شد، چون وضع ما و عراق در شرایطی نبود که با عرف دیپلماتیک، ارسال پیک و نامه قابل توجیه باشد. بررسی‌های ابتدایی از لحاظ درستی مضامین و امضای نامه و مهر و آرم و شناخته شده بودن حامل نامه، اطمینان نسبی ما را در خصوص صحت ادعا جلب کرد. گرچه در گذشته صدام حسین چندبار از طریق نمایندگی‌های عراق در آلمان، سوئیس و جاهای دیگر پیشنهاد مذاکره حضوری و رودرروی روسای دو کشور را داده بود و تا مرحله مذاکره مقدماتی در سطح روسای نمایندگی پیش رفته بودیم، ولی ویژگی‌های مضامین نامه کافی بود که مطلب را جدی بگیریم که گرفتیم. با مشورت و دقت همه جانبه جواب تهیه شد و از طریق نمایندگی در ژنو به نمایندگی عراق در آنجا تحویل داده شد.

دوازدهم، از دیگر ویژگی‌های هاشمی رفسنجانی، تخصص او در تصمیم‌گیری در میان عدم قطعیت‌هاست. تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان برای زمانی است که مشکل موجود شامل تعدادی از عدم قطعیت‌ها یا متغیرهای غیرقابل کنترل می‌شود. درعین حال اطلاعاتی از گذشته به منظور پیش‌بینی برای این متغیرها در دسترس نبوده، ازاین رو محاسبه احتمال وقوع برای آنها ممکن نیست. تاکنون وضعیتی مشابه پایان جنگ برای هاشمی رخ نداده بود. در تاریخ نیز چنین تجربه‌ای کمتر وجود داشت. صدام، دیکتاتوری مخصوص به خود بود. انقلاب اسلامی پدیده منحصر به فرد و یکی از پنج انقلاب کبیر در جهان مدرن بود. اعراب به استثنای رهبران معدودی از تجاوز عراق به خاک ایران حمایت می‌کردند. قدرت‌های جهانی نیز در انتهای جنگ پشت صدام بودند. پنج عضو دائم شورای امنیت همگی دارای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی در عراق بودند و مایل نبودند عراق در جنگ با ایران شکست بخورد. چنین وضعیتی منحصر به فردی، تصمیم‌گیری راجع به اعتمادداشتن به صدام و نامه‌های او را کاملاً همراه ریسک می‌کرد.

سیزدهم. هاشمی رفسنجانی روش‌های مخصوص به خود را داشت؛ یکی از آنها استفاده از نظریه بازی بود. نظریه بازی‌ها حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی بین عوامل عقلانی می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب شده توسط خود وی بلکه به راهبرد انتخاب شده توسط بازیگران دیگر هم بستگی داشته باشد. آقای هاشمی در مورد رفتار صدام در نامه نویسی حدس‌های مختلفی می‌زد. در مقدمه کتاب نامه‌های تبادل شده می‌نویسد: گرچه در تحلیل‌ها و بررسی‌های مربوط به انگیزه طرف مقابل در ارائه این ابتکار و عجله غیرمعمول در ادامه کار، ضمن احتمالات فراوان دیگر، احتمال مشکل داشتن با همسایه‌های عرب خود و به ویژه کشورهای نفت خیز خلیج فارس مطرح بود، ولی بعضی احتمالات دیگر از قبیل مشکل داشتن با کشورهای صنعتی طلبکار عراق و به خصوص آمریکا و فرانسه یا مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی ناشی از دوران طولانی جنگ بی‌ثمری که خود راه انداخته بود و طولانی شدن دوره اسارت ده‌ها هزار اسیر عراقی که عمدتاً در سال‌های اول جنگ اسیر شده بودند و مخارج گزاف نگهداری این همه نیرو به خاطر دوران نه جنگ نه صلح، به عنوان عوامل این حرکت توجه را جلب می‌کرد و کمترین اهمیت را بر احتمال پیش آمدن جنگ با حامیان دیروز و آن روز عراق می‌دادیم.

چهاردهم، هاشمی رهبر تک نقطه‌ای نبود؛ او تصمیم‌گیری را یک جریان مداوم ذهنی و همچنین سازمانی می‌دانست. در اینجا منظور از سازمان، همان نظام جمهوری اسلامی ایران است. او در جای‌جای نامه‌های خود به عهدنامه حسن همجواری و مرزهای دولتی منعقدشده در ۱۹۷۵ اشاره می‌کند. برای او مهم نیست که چه رژیم یا چه فردی از طرف ایران مذاکره یا آن قرارداد را امضا کرده است. مهم آن است که تداوم در سیاست خارجی ایران حفظ شود. و پانزدهم، با همه اینها هاشمی رفسنجانی یک نویسنده است و طرف مقابل او یک نظامی. صدام در نامه‌های خود برای نزدیک شدن به هاشمی می‌گوید: آقای رئیس‌جمهور، این اقدامات من کلاً به این جهت صورت می‌گیرد که یقین دارم جنگجویان قادرند همدیگر و مقاصد یکدیگر را سریع‌تر دریابند. اگرچه این صفت جنگجو بودن در جریان یک ستیز مسلحانه فی‌مابین آنها به دست آمده باشد. اما آقای هاشمی در این دام صدام نیز نمی‌افتد و در پاسخ باز به اصول اسلامی و انسانی اشاره می‌کند.

برای دریافت متن کامل این مقاله از لینک دانلود زیر استفاده کنید.